



۲۰۱۶/۱۲/۰۸



نور احمد خالدی  
ارسالی: محترم مصطفی عمرزی

## معادل دری یا فارسی برای لغات خارجی!



به گزارش بی بی سی فارسی اخیراً غلامعلی حداد عادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی دولت ایران گفته است که این فرهنگستان حاضر است به دولت افغانستان در زمینه تقویت ذخیره واژه های «اصطلاحات» فارسی در این کشور کمک کند. به قول بی بی سی آقای حداد عادل که در نخستین همایش گفت و گوی فرهنگی ایران و افغانستان در تهران صحبت می کرد، گفت: "فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی در ایران در طول فعالیت خود توانسته است بیش از ۵۵ هزار معادل فارسی را برای لغات خارجی پیدا کند و ما آماده ایم این کلمات را در اختیار دولت افغانستان قرار دهیم تا آموزش زبان فارسی در مدارس این کشور راحت تر شود."

سوال اساسی این است که آیا پیدا کردن معادل دری برای لغات خارجی ضروری است؟ آیا این کار به نفع تعلیم و تربیه جوانان ما در دنیای امروز است که روز بروز از نظر ارتباطات و تبادلۀ معلومات کوچک و کوچکتر شده می رود؟ آیا بهتر نیست پدیده های صنعتی را که در سایر کشورها اختراع شده و رواج یافته اند به همان نامهای اصلی بین المللی آنها یاد کنیم؟ آیا به نفع جوانان ما است که با استفاده از کلمات ساخته شده فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی در ایران به عوض کمپیوتر "رایانه" بگویند، به عوض انترنت "تارنما" و به عوض فیسبوک "رخنما" بگویند و صدها مثال این قبیل؟ آیا به عوض نزدیکتر شدن با جهان با استفاده از کلمات ساخته شده مانند فوق جوانان ما از همقطاران خود در دنیای خارج دورتر نمی شوند؟ بر علاوه ایرانیها در صدد حذف کلمات عربی از زبان فارسی هم هستند. چرا؟

برای درک بهتر این موضوع چند سخنی در مورد ریشه ها و تکامل زبان دری و آنچه در ایران فارسی میگویند و دشمنی ایرانیها با زبانهای خارجی و بخصوص زبان عربی لازمی است. زبان دری یکی از زبان های بومی مردم افغانستان امروزی و زبان پیوند دهنده اقوام این سرزمین است. به گفته الیور روی و سایر دانشمندان، بلخ، خراسان و آسیای میانه مهد پیدایش زبان دری امروزی به شمول فارسی ایران میباشد. این زبان از ترکیب زبانهای کهن پهلوی اشکانی، تخاری، سغدی و غیره به وجود آمده است. زبان دری دنباله زبان پهلوی نبوده، همزمان و موازی با آن وجود داشت و از آن متأثر بود و در طول قرن‌ها با استفاده از زبانهای سانسکرت، هندی، پشتو، ترکی و عربی غنی تر شده است. بعد از معرفی اسلام در باختر، خراسان و ماورالنهر، زبان دری رسم الخط عربی را در عصر طاهریان هرات پذیرفت.

وقتی لشکریان مسلمان عرب به عراق عجم (ایران امروزی) حمله کردند مردم آن سرزمین بزبان پهلوی حرف میزدند در حالیکه مردم خراسان، تخارستان، کابلستان، سیستان، ماورالنهر و غرجهستان بزبان دری تکلم میکردند. زبان مادری سعدی و حافظ پهلوی بود. با آمدن اعراب مردم سرزمینهای ایران امروزی زبان خود را یا زبان پهلوی را به تدریج از دست دادند. به قول استاد ملایری عربها با زبان پهلوی خصومت خاص داشتند چون زبان پهلوی زبان امپراطوری ساسانی بود و زبان مذهبی گبریه یا آتش پرستان بود. عربها کتاب سوزیهای زیادی کردند و موفق شدند زبان پهلوی را در طی ۲۰۰ سال از استفاده بر اندازند. بی جهت نیست که امروزه ایرانیها خصومت خاصی با عربها داشته و در صدد زدودن آثار زبان عربی از زبان فارسی دری امروزی هستند و میکوشند که افغانها نیز در این مبارزه نامقدس و بی لزوم با آنها شریک شوند.

در بالا گفتیم که وقتی لشکریان مسلمان عرب به عراق عجم (ایران امروزی) حمله کردند مردم آن سرزمین بزبان پهلوی حرف میزدند در حالیکه مردم خراسان، تخارستان، کابلستان، سیستان، ماورالنهر و غرجهستان بزبان دری تکلم میکردند. به مرور زمان زبان دری با به قدرت رسیدن خراسانیها و غیر عرب به جای اعراب و بخصوص از زمان صفاریهای نیمروز به بعد، جای عربی را به عنوان زبان رسمی مکاتبات در دربار سلاطین این سرزمینها گرفت. به تدریج با جهانگشایی سلجوقیها و خوارزمشاهیان از ماورالنهر به سرزمینهایی که امروز ایران نامیده میشود زبان دری به این سرزمین ها گسترش یافت و مردم ایران زبان دری یا زبان مردم بلخ، ماورالنهر و خراسان را به عوض زبان پهلوی پذیرفته و آنرا "فارسی" نام دادند. چرا در سرزمینهای غیر فارس بنام فارسی معروف شده است؟ استاد ملایری دلیل اسم فارسی را سابقه تاریخی حکومتهای هخامنشی و ساسانی فارسها را بر سرزمینهای شرق یا مردم بلخ، ماورالنهر و خراسان و اثرات فرهنگی آن بیان میدارد. اثرات فرهنگی سلطه سیاسی و نظامی صفویها و افشاریها را بالای سرزمینهای افغانستان امروزی و بخصوص بالای رهبران افغانستان مستقل نیز نباید نادیده گرفت. هر دلیلی که باشد، این یگانه زبانی است که به گفته یک دوست فیسبوکی اسم فرزند، "فارسی"، اسم پدر، "دری"، را تحت شعاع قرار داده است.

باید بخاطر داشت که به گفته استاد ملایری زبان دری (یا آنچه در ایران فارسی میگویند) همزمان با زبان پهلوی موجود بود و اصطلاحات "فارسی قدیم"، "فارسی میانه" و "فارسی جدید" به قول ایشان ساخته و پرداخته سالیان اخیر بوده کدام اساس علمی تاریخی ندارند. با توجه به اینکه زبان مردم فارس در زمان هخامنشیها "زبان ایلامی یا عیلامی" بود نه پهلوی اشکانی در حقیقت بکار بردن این اصطلاحات دروغین برای آن است تا با تزویر به نحوی بالای زبان دری/فارسی امروزی مالکیت موروثی خود را قایل سازند.

زبان دری در سرزمینهای افغانستان امروزی و تاجیکستان امروزی و سایر مناطق ماورالنهر مانند بخارا، و سمرقند، ترمذ و خراسان (مرو، نیشاپور، بادغیس و هرات) و غیره به بلوغ رسید. ادبا و شعرای اولیه از جمله حنظله بادغیسی، رودکی سمرقندی در خراسان، بلخ و باختر زندگی میکردند. اولین آثار نظم و نثر زبان دری در ناحیه خراسان پیدا شد بیجهت نیست که سبک این آثار خراسانی نامیده می‌شود. پس سبک خراسانی یعنی سبک آثار نخستین و کهن زبان دری که در مشرق یا افغانستان امروزی و ماورالنهر یا آسیای میانه شکل گرفته است. از نظر تاریخی این سبک سلسله‌های طاهری، صفاری، سامانی و غزنوی را شامل می‌شود که سده‌های سوم تا ششم هجری را احتواء میکند.

با گسترش سلطه سلجوقیها و خوارزمشاهیان به غرب و جنوب غرب، ترکیه و آذربایجان امروزی و عراق عجم (ایران امروزی) به مرور زمان ادبیات دری در آن سرزمین‌ها گسترش یافت و سه صد سال بعد از آغاز سبک خراسانی، سبک شعری عراقی به میان آمد. سبک عراقی محدوده زمانی قرون ۷، ۸ و ۹ را در بر می‌گیرد و اوایل قرن ۷ زمانی است که مغولها به آسیای میانه (ماورالنهر)، باختر و خراسان حمله کرده دانشمندان و ادیبانی که جان به سلامت بردند ناگزیر به قونیه، تبریز، اصفهان، شیراز، بغداد و دیگر مناطقی که رفاه مادی و ذخایر معنوی آنها از نهب و غارت مغولان در امان مانده بود گریختند.

زبان یک پدیده زنده و در حال رشد بوده که با توسعه ارتباطات در سطح منطقه و جهان و نزدیکی فرهنگها روز بروز غنی تر شده می‌رود. یکی از عوامل پیشرفت علم و صنعت در کشورهایی مانند بنگله دیش، سریلانکا، هندوستان و پاکستان و حضور گسترده دانشمندان، سیاستمداران، اداره چیان و مشاورین آنها در سطح بین المللی، به مقایسه افغانستان و ایران دسترسی آنها به زبان انگلیسی و استفاده از انگلیسی در مؤسسات تعلیمی آنها میباشد.

با افزایش ارتباطات با جهان خارج زبان دری با استفاده از سایر زبانهای زنده دنیا غنی تر شده است. کلمات محصل، معلم، تحصیل، متعلم، مکتب، کتاب، کتابچه، حساب، هندسه، الجبر، والی، ولایت، نجوم، منجم و هزاران کلمه مشابه به یقین ریشه در زبان عربی دارند اما در طول یک هزار و سیصد سال شامل زبان دری شده و اجزای لایتجزای زبان دری را میسازند. همچنان که هزاران کلمه لاتین، فرانسوی، عربی، هندی، سانسکریت، آلمانی و غیره شامل زبان انگلیسی شده و امروز بدون هیچگونه تبعیضی توسط انگلیسی زبانها طرف استفاده قرار دارند و هیچ کوششی برای بیرون کردن آنها از زبان انگلیسی صورت نگرفته و نمی‌گیرد. تنها متعصبین و ملی‌گرایان شوونیست کور ذهن و کور مغز در صدد حذف کلمات متداول خارجی از زبان خود بوده تیشه به ریشه زبان خود می‌زنند و نادانسته مردم خود را و بخصوص جوانان تشنه علم و معرفت را از دنیای خارج دور می‌سازند.

پایان